## 

[هرگز،] به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد مى‌کنم که ما تواناییم، (40) که به جاى آنان بهتر از ایشان را بیاوریم؛ و بر ما پیشى نتوانند جست. (41) پس بگذارشان یاوه گویند و بازى کنند تا روزى را که وعده داده شده‌اند ملاقات نمایند. (42) روزى که از گورها[ى خود] شتابان برآیند، گویى که آنان به سوى پرچمهاى افراشته مى دوند. (43) دیدگانشان فرو افتاده، [غبار] مذلّت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزى که به ایشان وعده داده مى‌شد. (44)

به نام خداوند بخشنده مهربان

ما نوح را به سوى قومش فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابى دردناک به آنان رسد، هشدار ده.» (1) [نوح‌] گفت: «اى قوم من، من شما را هشدار دهنده‌اى آشکارم، (2) که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید. (3) [تا] برخى از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل‌] شما را تا وقتى معین به تأخیر اندازد. اگر بدانید، چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت. (4) [نوح‌] گفت: «پروردگارا، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم، (5) و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود. (6) و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیامرزى، انگشتانشان را در گوشهایشان کردند و رداى خویشتن بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند. (7) سپس من آشکارا آنان را دعوت کردم. (8) باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت [و] پوشیده نیز به ایشان گفتم. (9) و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. (10)